

مقدمه مترجم

چشم انتظارِ در خاکِ رفتگان

میگل آنخل آستوریاس

مترجم
سروش حبیبی



نشر ماهی

تهران

۱۳۹۸

1. Ciudad Guaymas

2. George Ripstein

3. George Ripstein

4. El Imparcial
5. El Imparcial
6. El Imparcial
7. Juan José Arreola

مقدمه‌ی مترجم

این ترجمه را به دوست عزیزم
شهرام قنبری تقدیم می‌کنم.

میگل آنخل آستوریاس، داستان‌نویس و شاعر گواتمالایی، در نوزدهم اکتبر ۱۸۹۹ در سیوداد-گواتمالا^۱ به دنیا آمد و در نهم ژوئن ۱۹۷۴ در مادرید از دنیا رفت. او از خانواده‌ای آزاداندیش و آزادی‌پو (پدری حقوقدان و مادری معلم) بود که با حکومت خودکامه‌ی مانوئل استرادا کابرا^۲ مبارزه می‌کرد. خانواده‌ی او به همین سبب در ملک خود در سالومه پناه بسته بود. میگل آنخل دوران کودکی‌اش را در روستا و میان بومیان هندی‌شمرده (سرخپوست) گذراند. پس از پایان تحصیلات متوسطه، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد و بعد از نوشتن رساله‌ای در خصوص مسائل اجتماعی هندی‌شمردگان (۱۹۲۳) وکیل شد. در همان سال به لندن سفر کرد و در کتابخانه موزه‌ی بریتانیا آثاری در باب تمدن مایا کشف کرد. بعد راهی پاریس شد و تحت سرپرستی پروفیسور ژرژ رنو^۳ به بررسی کتاب مقدس مایاهای کهن، پوپول وو^۴، پرداخت و همراه با گونزالز د مندوزا^۵ آن را به اسپانیایی ترجمه کرد. از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳ مقالات بسیاری در زمینه‌ی ادبیات و سیاست نوشت، نیز داستان‌ها و مقالاتی که بیش‌ترشان در مجله‌ی ال ایمپارسیال^۶ انتشار یافت. این نوشته‌ها بعدها در کتاب داستان‌ها و قصه‌های جوانی (۱۹۷۰) جمع‌آوری و چاپ شد. وقتی به گواتمالا بازگشت، خوان خوسه آربالو^۷ رئیس‌جمهور بود و آستوریاس سفیر گواتمالا در مکزیک (۱۹۴۶-۱۹۴۷) و بعد آرژانتین (۱۹۴۸) شد و در ۱۹۵۰ نیز

1. Ciudad-Guatemala

2. Manuel Estrada Cabrera (۱۸۵۷-۱۹۲۴): رئیس‌جمهور گواتمالا از ۱۸۹۸ تا ۱۹۲۰.

3. George Raynaud 4. Popol Vuh 5. Gonzalez de Mendoza 6. El Imparcial

7. Juan José Arevalo (؟-۱۹۹۰): اولین رئیس‌جمهور مردمی گواتمالا.

در همین کشور به مقام وزارت مشاور در امور فرهنگی رسید. در ۱۹۵۳ با همین سمت به پاریس رفت و سه سال بعد سفیر گواتمالا در سان سالوادور شد. در ۱۹۵۴، بعد از سقوط حکومت پیشرو آرنز^۱، دوباره راه تبعید را در پیش گرفت. حتی از حقوق مدنی نیز محروم شد. سال‌های درازی را در پاریس و ایتالیا (جنوا) به روزنامه‌نگاری گذراند. اما آوازه‌ی روزافزون آثارش چنان بود که در ۱۹۶۶ توانست به کشورش بازگردد و با سمت سفیر رهسپار پاریس شود. در ۱۹۶۷ جایزه‌ی نوبل نصیبش شد و آوازه‌ی جهانگیری یافت. میگل آنخل آستوریاس شاعری خوش ذوق و داستان‌سرایی تواناست، اما بیش‌تر او را به نام داستان‌نویس می‌شناسند. می‌توان گفت شکوفایی ادبیات امریکای لاتین با او آغاز می‌شود، ادبیاتی که آینه‌ی واقعیت فرهنگی امریکای لاتین به شمار می‌رود، اما چنان گرانمایه است که با آثار بزرگ ادبیات گذشته و حال جهان برابری می‌کند. نوع ادبی indigenismo، یعنی توصیف طرح‌وار جلوه‌های ظاهری زندگی هندی‌شمردگان و دوره‌های امریکای لاتین، با آثار آستوریاس برای همیشه منسوخ شد. غول‌های بزرگ دیگری همچون آخو کارپانتیه، گارسیا مارکز، خوان رولفو، روآ باستوس، خوسه ماریا آرگداس و ماریو بارگاس یوسا پیشرفت نافذ و قاطع رمان را قوت بخشیده و استوار کردند. در ۱۹۴۶، بعد از نوشتن افسانه‌های گواتمالا (که محصول بازآفرینی غنایی سنت‌های مملکتش بود)، اولین شاهکار خودآقای رئیس‌جمهور را انتشار داد، داستان فرمانروایی خودکامه و خیالی که البته باز شناختن خصوصیات استرادا کاپر را در آن دشوار نیست. فضای این داستان اختناق‌آور، فجیع و نیز آراسته به طنزی سیاه است. این فرمانروا در سراسر کتاب تقریباً هیچ‌جا حاضر نیست، اما سایه‌اش بر کار و بار همه‌ی شخصیت‌های کتاب سنگینی می‌کند. عظمت آستوریاس در توصیف این جهان مقهور دیکتاتور ناپدیدار با شکسپیر پهلوی می‌زند. او تمام روش‌های داستان‌نویسان امروزی، از قبیل تک‌گویی درونی و وصف ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، را چنان شاعرانه و قدرتمندانه به کار می‌گیرد که گاه با تصویر جهان فاسد و خونین و جنون‌آمیزی که وصف می‌کند در تضاد

۱. Juan Árbenz (۱۹۱۳-۱۹۷۱): بیست و پنجمین رئیس‌جمهور گواتمالا.